



دانشگاه سям نور

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

**ترجمه و شرح اشعار عربی حسان عجم**

**پرویز محمد نژاد**

استاد راهنما:

**دکتر علی قهرمانی**

استاد مشاور:

**دکتر احمد محمدی**

تیر ماه ۱۳۹۰

سورة التوبة



**دانشگاه پیام نور**

مرکز تبریز

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

دانشکده علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

عنوان پایان نامه

**ترجمه و شرح اشعار عربی حسان عجم**

**پرویز محمد نژاد**

استاد راهنما:

**دکتر علی قهرمانی**

استاد مشاور:

**دکتر احمد محمدی**

تیر ماه ۱۳۹۰



دانشگاه پیام نور

بسمه تعالی

## صورتجلسه دفاع از پایان نامه

دوره کارشناسی ارشد

جلسه دفاع از پایان نامه دوره کارشناسی ارشد آقای پرویز محمدنژاد دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی

به شماره دانشجویی ۸۷۰۰۰۶۶۰۵ تحت عنوان ترجمه و شرح اشعار عربی حسان عجم

باحضور هیات داوران در روز پنجشنبه مورخ ۹۰/۴/۲۳ ساعت ۱۱ در محل ساختمان آموزشی (اتاق کنفرانس)

برگزار شد و هیات داوران پس از بررسی، پایان نامه مذکور را شایسته نمره به عدد ۱۸/۰۰۰

به حروف ..... <sup>هکتر و نیم</sup> با درجه عالی ..... تشخیص داد.

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبه دانشگاهی	دانشگاه / موسسه	امضاء
آقای دکتر علی قهرمانی	استاد راهنما	دانشیار	تربیت معلم آذربایجان	
آقای دکتر احمد محمدی	استاد مشاور	استادیار	مرکز تبریز	
آقای دکتر محمدرضا اسلامی	استاد داور	دانشیار	تربیت معلم آذربایجان	
آقای دکتر میرنعمت اله موسوی	نماینده گروه علمی	استادیار	مرکز تبریز	
آقای دکتر سید مهدی عراقی	مدیر تحصیلات تکمیلی استان	استادیار	مرکز تبریز	

## گواهی اصالت، نشر و حقوق مادی و معنوی اثر

اینجانب پرویز محمدنژاد دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۷ مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گواهی می‌نمایم چنانچه در پایان نامه خود از فکر، ایده و نوشته دیگری بهره گرفته‌ام با نقل قول مستقیم یا غیر مستقیم منبع و ماخذ آن را نیز در جای مناسب ذکر کرده‌ام. بدیهی است مسئولیت تمامی مطالبی که نقل قول دیگران نباشد بر عهده خویش می‌دانم و جوابگوی آن خواهم بود.

دانشجو تأیید می‌نماید که مطالب مندرج در این پایان نامه (رساله) نتیجه تحقیقات خودش می‌باشد و در صورت استفاده از نتایج دیگران مرجع آن را ذکر نموده است.

نام و نام خانوادگی دانشجو

تاریخ و امضاء

اینجانب پرویز محمدنژاد دانشجوی ورودی سال ۱۳۸۷ مقطع کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی گواهی می‌نمایم چنانچه براساس مطالب پایان نامه خود اقدام به انتشار مقاله، کتاب، و ... نمایم ضمن مطلع نمودن استاد راهنما، با نظر ایشان نسبت به نشر مقاله، کتاب، و ... به صورت مشترک و با ذکر نام استاد راهنما مبادرت نمایم.

نام و نام خانوادگی دانشجو

تاریخ و امضاء

کلیه حقوق مادی مترتب از نتایج مطالعات، آزمایشات و نوآوری ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه پیام نور می‌باشد.

آبان ماه ۱۳۹۰

**تقدیم به :**

**ساحت مقدس آقا امام زمان (عج)**

**روح پدر عزیزم ، مادر خوبم ، همسر فداکار و مهربانم ؛ فاطمه و دو**

**گل زندگیم : محسن و محمد هادی**

## سپاس نامه

### من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

پس از حمد و ثنای خداوند باری تعالی، که الطاف کریمانه و عنایت خاصه اش را از آغاز تا پایان این نوشتار مشمول بنده حقیر نمود جا دارد از تک تک اساتید گرانقدری که در طول دوران تحصیل در محضرشان زانوی تلمذ زده و کسب فیض نمودم تشکر و قدردانی نمایم، سپاسگزار زحمات خالصانه استاد محترم راهنما جناب آقای دکتر علی قهرمانی که با ارائه ی نکته نظرات دقیق بنده را در پیشبرد این پایان نامه یاری فرمودند و جسارت نوشتن را در من تقویت کردند، هستم و نیز مراتب تشکر و قدردانی خود را از استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر احمد محمدی که با راهنمایی های روشن گرانه خود کمک های ارزنده ای در جهت تنظیم این پایان نامه به بنده نمودند ابراز می کنم و از این بزرگواران به جهت مزاحمت های مکرر پوزش طلبیده و از درگاه ایزد منان برایشان سلامتی و سربلندی آرزو می نمایم از زحمات ارزنده ی استاد گرانقدری که زحمت داوری این رساله را تقبل خواهند فرمود پیشاپیش تقدیر و تشکر می نمایم.

قدردانی و تشکر ویژه خود را از زحمات همسر عزیزم که در این مدت سعه صدر از خود نشان داده و فضای خانه را برای مطالعات و کارهای تحقیقی اینجانب فراهم کردند و همچنین در تایپ پایان نامه زحمات زیادی را متحمل شدند ابراز می دارم. واز فرزندانم و همسرم که در این مدت به علت مشغله ی زیاد در انجام وظایفم نسبت به آنها کوتاهی نموده ام صمیمانه پوزش طلبیده واز خداوند متعال آرزوی سلامتی و بهروزی و موفقیت بر آنان دارم.

## چکیده

خاقانی ، شاعری است بلند پرواز با قریحه ی معنا ساز لفظ پرداز که در استخدام معانی و مضامین دلپذیر ذوق انگیز و ردیف های دشوار و گزینش الفاظ فصیح پر طمطراق و با الهام گرفتن از قرآن کریم و احاطه بر علوم رایج زمان در میان سخنوران ادب پارسی پایگاهی بس ارجمند دارد. تحقیق و تدقیق در آثار خاقانی نشان می دهد که وی با علوم و زبان عربی آشنایی کامل داشته است . با بررسی آثار خاقانی در می یابیم که او از ابتدای دانش اندوزی با زبان و ادبیات عربی ارتباطی تنگاتنگ داشته و علوم عربی را به صورت چشمگیر فرا گرفته و در آثارش از آن متأثر شده است این پایان نامه به سه فصل تقسیم می شود که عبارتند از:

۱- شرح احوال و زندگانی خاقانی شروانی

۲- شعرای عربی سرای آذربایجان

۳- شرح و ترجمه ی اشعار عربی

به طور کلی اشعار عربی خاقانی پیرامون مدح شخصیت ها و وصف و مدح سرزمین هاست و بقیه قطعه ها و دوبیتی ها نیز در حاشیه ی همین دو موضوع است .

## واژگان کلیدی:

خاقانی شروانی ، اشعار عربی ، مدح

دانشجو: پرویز محمد نژاد      شماره دانشجویی: ۸۷۰۰۰۶۶۰۵      رشته: زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما: دکتر علی قهرمانی      استاد مشاور: دکتر احمد محمدی

عنوان پایان نامه: ترجمه و شرح اشعار عربی حسان عجم      تاریخ دفاع: ۹۰/۴/۲۳



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۵	کلیات
۵	روش کار
<b>فصل اول ؛ زندگی و آثار خاقانی شروانی</b>	
۹	بخش اول - پیرامون اوضاع سیاسی و ادبی عصر خاقانی
۱۱	بخش دوم - درباره خاقانی
۱۶	بخش سوم - فکر و شعر خاقانی
۱۹	بخش چهارم - توانایی خاقانی در سخنوری
۲۲	بخش پنجم - آثار خاقانی
۲۴	بخش ششم - مذهب و اعتقادات خاقانی
<b>فصل دوم ؛ زبان و ادبیات عرب</b>	
۲۶	بخش اول - زبان عربی
۲۶	- شمار گویشوران و مکان تکلم
۲۶	- گویش ها و لهجه ها
۲۸	بخش دوم - تأثیر زبان های دیگر بر زبان عربی
۲۹	- تأثیر زبان عربی بر دیگر زبان ها
۲۹	- تأثیر عربی بر فارسی
۳۱	بخش سوم - پیشینه ی تعاملات فرهنگی ایران و عرب
۳۴	بخش چهارم - شعر و شاعری در آذربایجان
<b>فصل سوم ؛ ترجمه و شرح قصاید و قطعات عربی دیوان خاقانی</b>	
۳۶	بخش اول - مدح جلال الدین خزاری

۸۶	بخش دوم - قصیده امام محمد یحیی
۱۰۰	بخش سوم - قصیده مدح بغداد
۱۲۰	بخش چهارم - قصیده مدح سیف الدین مظفر بن محمد صاحب دربند
۱۳۵	بخش پنجم - قصیده مدح الملك الاعظم علاءالدین
۱۵۱	بخش ششم - مدح جلیل بن رافع
۱۵۳	- مدح عزالدین
۱۵۴	بخش هفتم - مدح عراق
۱۵۹	بخش هشتم - قطعه در مورد پیری و ناتوانی
۱۶۹	بخش نهم - مدح محمد سمعانی
۱۷۱	بخش دهم - مدح یمن
۱۷۶	- مدح ری
۱۸۳	نتیجه گیری
۱۸۴	فهرست منابع

## مقدمه

«نافه ی مشکم که گر بندم کنی در صد حصار سوی جان پرواز جوید طیب جان افزای من»<sup>۱</sup>

حسان العجم افضل الدین ابراهیم در حدود سال های « ۵۱۹ و ۵۲۰ »<sup>۲</sup> ه.ق در شهر شروان در خانواده درود گری به نام استاد علی نجار از مادری عیسوی نسطوری که به اسارت از روم آورده شده بود و بعداً اسلام اختیار کرد دیده به جهان گشود؛ او به زبان های فارسی، ترکی و عربی مسلط بود و استعدادی بی همتا داشت .

بدون شک ، مشاهده ی آفتابی که هشت قرن پیش غروب کرده ، با تمام زیبایی هایش ، ممکن نیست برای سیر و درک خورشیدی که پیش از ما غروب کرده باید از شفق آن مدد گرفت ، و برای درک افکار و اشعار خاقانی باید زندگی پرفراز و نشیب او را مطالعه کرد و اشعار فارسی ، ترکی و عربی اش را مورد بررسی دقیق قرار داد .

در مقام مقایسه با اشعار فارسی خاقانی که کارهای بسیار ارزنده ای در مورد آنها توسط اساتید فرهیخته ادب فارسی صورت گرفته است اشعار عربی شاعر مظلوم واقع شده و در آن عظمت کار نشده است استاد دکتر کزازی ابیات عربی خاقانی را اعراب گذاری کرده اند که در امر ترجمه بسیار راهگشا بود و بعضاً در بعضی همایش های خاقانی شناسی نیز به بیت هایی از آن پرداخته می شود که در نوع خود مفید می باشد.

پایان نامه حاضر نتیجه تحقیقات ، تتبع و تفحص همه جانبه در اشعار عربی خاقانی است ولی با همه ی این اوصاف انگار ذره ای را از کوهی عظیم شکافته ای که هنوز افراد توانایی را می طلبد که کارهای اکمل و ارزنده ای انجام دهند .

این پایان نامه در سه فصل تنظیم شده است که فصل اول در مورد شرح احوال ، افکار و اشعار خاقانی می باشد فصل دوم شمه ای در مورد زبان و ادبیات عرب و تأثیرات متقابل زبان عربی و فارسی و همچنین شاعرانی که به سه زبان فارسی ، ترکی و عربی شعسروده اند می باشد.

<sup>۱</sup> - خاقانی شروانی ، افضل الدین بدیل بن علی ، دیوان اشعار ، به اهتمام دکتر ضیاءالدین سجادی ، انتشارات زوار ، چاپ دوم ، ۱۳۵۷

<sup>۲</sup> - ماهیار ، عباس ، سحر بیان خاقانی ، کرج ، جام گل ، چاپ اول ، ۱۳۸۵ ، ص ۸ .

فصل سوم که مهم ترین و محوری ترین قسمت پایان نامه محسوب می شود شامل ترجمه لغات و معانی بیش از ۵۰۰ بیت از ابیات عربی خاقانی می باشد که ابتدا معانی لغات از فرهنگ های مختلف استخراج می شده بعد با استفاده از همان لغات معنای مورد نظر در حد توان نوشته می شد ؛ این بخش شامل چند قصیده و قطعه در مدح پادشاهان، پیشوایان مذهبی، شهرها و مسایل مختلف اخلاقی و اجتماعی بوده است.

ابتدا قصاید و قطعات به طور کلی و مختصر معرفی می شوند تا قبل از رسیدن به فصل سوم خوانندگان حضور ذهنی در مورد مضمون اشعار داشته باشند.

اولین قصیده که بزرگترین قصیده عربی دیوان خاقانی است در مدح امام جلال الدین خزاری از پیشوایان بزرگ مذهب شافعی می باشد که در ۱۷۱ بیت و در دو مطلع در بحر کامل سروده شده است.

خاقانی در آغاز این قصیده از سبک شعرای قدیم عرب پیروی کرده و به یاد یار و دیار گریه کرده و بعد از تغزل و وصف دیارش شروع به سرودن می کند.<sup>۱</sup>

دومین قصیده در مدح امام محمد بن یحیی در ۱۶ بیت می باشد<sup>۲</sup> محی الدین محمد یحیی نیشابوری دانشمند بزرگ شافعی و از شاگردان نامور امام محمد غزالی و استاد نظامیه نیشابور بود و خاقانی در مدح وی این قصیده غراً را سروده و هنر شعری خود را با بکار گیری بلاغت، در آن به نمایش گذاشته است. در ادامه این قصیده حدوداً ۴۹ بیت در مورد مسائل مختلف اخلاقی و اجتماعی، مدح شروان، مدح عماد الدین<sup>۳</sup> و خلیفه المستنجد سروده کزازی برای این ابیات که در مدح المستنجد است عنوان تعیین نکرده ولی در نسخه ای که دکتر بدیع الزمان فروزانفر گردآوری نموده اند این قطعه را با نام « در مدح خلیفه المهتدی » آورده دکتر معین عقیده دارد که منظور همان المستنجد است که در سال ۵۵۵ جلوس کرده خاقانی عمادالدین را از مفاخر آذربایجان و در قطعه ای صدر زمان نامیده است :

ای عماد الدین ، ای صدر زمان                      هر زمان صدر تو را خاک در است<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> - خاقانی شروانی، افضل الدین، دیوان اشعار خاقانی، دکتر میرجلال الدین کزازی، ۲ جلد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴۰ به بعد.

<sup>۲</sup> - همان ص ۱۳۴۷ به بعد.

<sup>۳</sup> - کزازی، میرجلال الدین، رخسار صبح، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۸، ص ۳۲.

<sup>۴</sup> - خاقانی شروانی، افضل الدین، دیوان اشعار خاقانی، به کوشش جلال الدین کزازی، ۲ جلد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۸.

در قصیده ی دیگر بغداد را در دو مطلع و در ۶۸ بیت مدح نموده است مدح بغداد بزرگترین شعر مدح شهرها از نظر تعداد ابیات ، در اشعار عربی خاقانی است او در این قصیده با مبالغه و اغراق در مدح بغداد ، توجه خواننده را به خود جلب می کند خاقانی در توصیف شهر بغداد با استفاده از داستان آب حیات و یادآوری تجلی حق بر موسی ، اشتیاق ما را به دیدن آن دو چندان می کند.

قصیده بعدی مدح سیف الدین مظفر بن محمد شاه دربند در ۴۷ بیت می باشد. خاقانی از نوال و نواخت او برخوردار بوده به این خاطر او را مدح و سپاس گفته است خاقانی که در اشعار فارسی به شاعر صبح مشهور است ، در اشعار عربی نیز صبح و سحر و طلوع خورشید را وصف می کند و در آغاز این قصیده ، مدح ممدوح خویش را با زیبایی های طبیعت و صبح عجین کرده است .

یکی از پادشاهان زمان خاقانی که مورد مدح و ستایش او قرار گرفته است علاءالدین تکش بود که تلاش بسیاری در توسعه مملکت و گسترش آن تا تصرف عراق و خراسان نمود تا جایی که بر سلطان طغرل در ری فائق آمد و علما و فضلا را بسیار عزیز و گرامی می داشت خاقانی در این قصیده عرش او را جایگاه خطیر و با ارزشی می داند و مرتبه هشتم از بهشت را که فردوس<sup>۱</sup> برین است برای ممدوح وعده داده شده بیان می کند که بهترین بهشت های هشتگانه نیز هست.

خاقانی قصاید و قطعات کوتاه دیگری در مدح شخصیت های بزرگ علمی ، دینی ، شهرها و سرزمین های مختلف دارد از جمله مدح جلیل بن رافع و عزالدین که او از پیشوایان دینی در تبریز بوده و خاقانی با وی پیمان برادری بسته و او را « خاصه آفریدگار و خلاصه آفرینش »<sup>۲</sup> خوانده است، مدح محمد سمعانی که او را گنجینه تمام فضایل و اصل و ریشه مفاهیم و پاینده در علوم معرفی می کند که تنها درخت بزرگیهاست و مانند نگین ارزشمند انگشتری است که ارزش فراوان و جایگاه عظیمی دارد ، مدح امام سعید جمال الدین بابویه رافعی که صاحب تصانیف معتبر از جمله شرح کبیر و شرح صغیر است<sup>۳</sup> .

قطعه زیبایی دارد که در آن عشق و علاقه اش در مورد عراق را می ستاید و حاکم عراق را نیز مورد مدح و ستایش خود قرار می دهد در ادامه سرزمین یمن و شهر ری و قزوین را نیز ستوده است و در نهایت قطعه ای زیبا در وصف پیری و سالخورده گی سروده که در آن به مردم سفارش می کند بر پیری فائق آیند و به سنت حسنه خضاب کردن توسط پیامبر ( ص ) و ائمه (علیهم السلام ) و به جلوه

<sup>۱</sup> - کزازی ، میر جلال الدین ، رخسار صبح ، تهران ، نشر مرکز ، ۱۳۶۸ ، ص ۴۶۹ .

<sup>۲</sup> - کزازی ، میر جلال الدین ، رخسار صبح ، تهران ، نشر مرکز ، ۱۳۶۸ ، ص ۱۰۸ .

<sup>۳</sup> - مستوفی ، حمداله ، تاریخ گزیده ، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی ، تهران ، انتشارات امیر کبیر ، ۱۳۶۲ ، ص ۸۰۳ .

هایی از طبیعت که خورشید هنگام غروب یا کسوف رنگرزی می شود اشاره کرده است تا مردم را به این سنت حسنه تشویق نماید.

در خاتمه از استاد ارجمند جناب آقای دکتر علی قهرمانی که راهنمایی پایان نامه حاضر را تقبل فرمودند و در تمامی مراحل نگارش و گردآوری منابع و شرح و ترجمه اشعار با حضور علمی و ارشاد و راهنمایی های خود این تحقیق را پربارتر نموده اند و از برادر بسیار بزرگوار جناب آقای اسکندر حیدری که در ویرایش و تنظیم این پایان نامه زحمات زیادی را متحمل شدند و همچنین از کلیه کسانی که در این امر بنده را قرین لطف و عنایت خود قرار داده اند نهایت امتنان و تشکر قلبی خود را ابراز می دارم .

## کلیات

### هدف تحقیق:

هدف از تحریر این پایان نامه در مرحله اول ، آشنایی بیشتر با شرح احوال و افکار شاعر و گردآوری مجموعه ای برای شناساندن افکار و اندیشه ی شاعراست و نیز معرفی برخی از شاعران آذربایجان که به زبان عربی هم شعر سروده اند.

تعمق در اشعار عربی این شاعر بزرگ شروان انسان را تیزبین و موشکاف می سازد ، در نهایت هدف پژوهش متمرکز براین امر گردیده که شرح و ترجمه ابیات عربی این شاعر بلندآوازه خطه ی آذربایجان به رشته تحریر درآید و برای دانشجویان کارشناسی ارشد ادبیات فارسی در شناساندن افکار و اندیشه های خاقانی مفید و مؤثر واقع شود.

پیشینه ی تحقیق: تاکنون مقالات و تألیفات زیادی از محققان و اندیشمندان در مورد خاقانی به چاپ رسیده است ، ولی تا الآن تا جایی که بنده اطلاع دارد شرح و ترجمه های زیادی بر اشعار عربی این شاعر نامور آذربایجانی نوشته نشده است ، و بعضی از اساتید گرانقدر ادبیات فارسی اقدام به اعراب گذاری این اشعار نموده اند که از جمله ی این شخصیت های ادبی دکتر کزازی می باشد که بنده نیز از این کار ارزنده بهره ها برده است . ، و نگارنده پایان نامه نیز سعی کرده است تا ترجمه ای را در حد وسع و توان خود با بهره گیری از منابع و راهنمایی های اساتید گرانقدر ارائه نماید.

## روشنی کار

دردوره ی کارشناسی ارشد واحد خاقانی را در محضر استاد بزرگوار جناب آقای دکتر معین زاده گذراندم اشعار بلند و زیبای خاقانی از یک سو و نحوه تدریس این استاد گرانمایه از سوی دیگر ، مرا با قصاید این شاعر بلند پایه ی شروان مأنوس کرد ، لذا به قصاید و غزلیات خاقانی و روزبه روز به مطالعه و تعمق در آنها راغب تر کرد و از آنجایی که این شاعر نامور، ابیات عربی را در آخر دیوانش آورده است به اشعار عربی او هم علاقه مند شدم و سعی کردم که موضوع تحقیقم به نحوی با آثار خاقانی سر و سری داشته باشد و بتواند روزنه ای هرچند تنگ و خرد به دنیای فراخ اشعار عربی این

شاعر " دیر آشنا " بگشاید و از طرفی دیگر بهانه ای باشد برای کسب فیض از محضر استاد بسیار عزیز و گرانقدر دکتر علی قهرمانی که به حق می توان او را در ردیف استادان بزرگ رشته زبان و ادبیات عربی دانست .

لذا به جهت عملی کردن موضوع تحقیق لازم دیدم که سراغ مقصود خود را از راه یافتگان قلم علم و ادب بگیرم تا بتوانم به سلامت ، به ساحل مقصود نایل آیم . چرا که :

**هر که او بی مرشد در راه شد                      او ز غولان گمره و در چاه شد**

به این ترتیب با استاد گرامی دکتر علی قهرمانی در این مورد مشورت کردم و ایشان با کمال متانت از پیشنهاد بنده استقبال کردند و بنده که از اوان دوره ی تحصیل در دانشگاه بارها و بارها مورد لطف و عنایت ایشان قرار گرفته بودم این بار نیز لطف وافرشان را شامل حال بنده گردانیدند و با پذیرفتن مسئولیت راهنمایی این رساله مرا که گردنم زیر بار حق استادی ایشان بود بیشتر به خود مدیون ساختند و به حقیقت که :

**مرا بار فضلش دو تا کرد پشت                      به شمشیر احسان و فضلم بکشت**

مسئولیت مشاوره را هم جناب آقای دکتر احمد محمدی ، استادی که اخلاق و رفتار و وقار و سنگینی اش برای هر کسی درس زندگی تواند بود به عهده گرفتند .

بعد از اینکه عنوان " شرح و ترجمه اشعار عربی حسان عجم " به تأیید شورای رسیدگی به موضوع پایان نامه ها رسید حلقه تسلیم به گوش جان آویختم چرا که از حافظ شیرین سخن به یاد داشتم که:

**بنده ی پیر مغانم که ز جهلم برهاند                      پیر ما هر چه کند عین عنایت باشد**

خلاصه با توجه به آیه شریفه " و لا تنس نصیبک من الدنیا " نصیبه ی ازل از خود نمی توان انداخت قضا چنان کرد که من وارد دنیای خاقانی شوم و چند صباحی همراه و غمخوار تنهایی های او باشم .

با راهنمایی های ارزنده اساتید گرانقدر به کم و کیف موضوع پی بردم و شروع به کار کردم، و روش تحقیق کتابخانه ای را برای تحقیق انتخاب نمودم ابتدا با گشت و گذار در آثار خاقانی شرح

<sup>۱</sup> - قرآن کریم ، سوره مبارکه القصص ، آیه ۷۷ .



احوال او به رشته تحریر در آورده شد بعد نگاهی به ادبیات عرب و تأثیر زبان عربی در زبان های دیگر و شاعران عربی سرای آذربایجان کردم و فصل دوم نگارش یافت.

در ابتدا هر فصل را به صورت مجزا آماده کردم، توسط استاد راهنمای محترم با دقت و تأمل مورد بررسی قرار دادم و با تذکرات و رهنمود های عالمانه ی ایشان در این مرحله (فصل سوم) که اساس و پایه ی تحقیق به شمار می رود نقایص و کاستی های ابتدایی مرتفع گردید. و با بدست آمدن چارچوب و محدوده ی فصول جمع آوری مطالب و ترجمه ی ابیات عربی آغاز گردید.

در ضمن لازم به ذکر است که گردآوری اشعار عربی خاقانی شروانی کاری بس دشوار بود که نیاز به تطبیق نسخه های گوناگون داشت تا صحیح ترین اشعار بدست آید ولی به دلیل تفاوت های موجود میان نسخه ها بدست آوردن اشعار عربی همراه با اعراب صحیح کاری بس دشوار بود که اینجانب با بهره گیری از استادان این رشته سعی کرده ام صحیح ترین لغات و اعراب موجود در ابیات را ترجمه کنم که امید وارم با همه ی کاستی ها و نقایص مورد پسند استادان گرانقدر و خاقانی شناسان قرار گیرد.

پس از اتمام هر فصل آن را به محضر استاد محترم راهنما تقدیم کردم و ایشان در این مدت ساعت ها وقت ارزشمند خود را صرف نوشته های اینجانب کردند و هرگز خم به ابرو نیاوردند، پس از تکمیل تقدیم استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر احمد محمدی نمودم تا از دیدگاههای ایشان نیز بهره مند گردم، که مساعدت های زیادی را در این زمینه مبذول داشتند.

سرانجام پس از تکمیل مطالب پایان نامه را به سه فصل تقسیم کردم در این پایان نامه تلاش بر آن بوده است که احوال آسان تر گرفته نشود و داد مطلب به تمامی ادا شود و گرد زوایا و خبایا گردیدم و هیچ چیز از نکات پوشیده نماند، با این حال اگر در این پایان نامه ضعف و کاستی به چشم می خورد که قطعاً هم خواهد خورد حاصل اندک مایگی و ضعف این سالک نوپاست که از فضل خداوندان علم و دانش، نازک اندیشان خرده دان و سخن سنج طمع دارم، به دیده ی عنایت و اغماض بر آن بنگرند.

به ناچار حشوش بود در میان

کرم کار فرما و حشوش بپوش

قبا گر حریر است و گر پرنیان

تو گر پرنیانی نیابی مجوش

# فصل اول

زندگی و آثار خاقانی شروانی

## بخش اول:

### پیرامون اوضاع سیاسی و ادبی عصر خاقانی

در قرن ششم هجری، دوره فرمانروایی سلجوقیان، حکومت‌های کوچک محلی در جای جای ایران حکم می‌راندند. در آذربایجان که محل زندگی خاقانی بود، اتابکان سلجوقی و شروانشاهان حکومت داشتند.

سرزمین کوچک «شروان»<sup>۱</sup> واقع در جنوب شرقی قفقاز، واقع در حوزه علیای رود ارس، از مدت‌ها پیش، فرمانروایانی نیمه مستقل و گاهی مستقل داشت. مورخان معمولاً از ۴ یا ۵ سلسله از فرمانروایان شروان، که آنها را شروانشاهان می‌گویند، یاد می‌کنند، قدیمترین این سلسله‌ها گویا سلسله ای بوده است از خاندان ساسانی که در روزگار ساسانیان بر شروان فرمان می‌راندند و از پادشاهان ساسانی فرمان می‌برده‌اند. «سلسله ای از شروانشاهان را که معاصر خاقانی بوده و تا سال ۷۸۴ ه.ق به طور مستقل یا به تبعیت از سلجوقیان یا امیران گرجستان پادشاهی کرده‌اند، سلسله خاقان‌ها می‌نامند و نامدارترین فرد این خاندان منوچهر پسر فریدون، ملقب به "خاقان اکبر" بوده که خاقانی تخلص خود را از نام او گرفته است»<sup>۲</sup>.

دوره حیات شاعر پر از آشوب و جنگ و ناپایداری احوال است که از برافتادن حکومت غزنوی در خراسان و حکومت‌های ایرانی در عراق و کرمان و گرگان و طبرستان آغاز می‌شود و با تسلط پی در پی اقوام و قبایل ترک بر ایران و تشکیل سلسله‌هایی از رؤسای قبایل بزرگ و کوچک همراه است این دوره را در حقیقت باید دوره حکومت‌های ترک در ایران دانست.

قرن ششم هجری از دورانهای پربرکت و بارآور شعر فارسی است. در این عصر که پیش از حمله مغول می‌باشد، شعر فارسی از جهات گوناگون وسعت و رشد می‌یابد و نهال برومند شعر فارسی شکوفاتر و پربرتر می‌شود و به هر جای، شاخ و برگ می‌گستراند و سایه می‌اندازد و چنان ریشه می‌گیرد که بعد از حمله مغول همچنان بارور و شکفته می‌ماند.

«این قرن به علت فراوانی شاعران که حدود ۳۰۰ تن از آنها نام برده شده»<sup>۳</sup> و آثار بسیاری از آنها بر جای مانده است، بر دیگر قرنهای تاریخ ادب فارسی برتری دارد. در نیمه اول این سده سنایی

<sup>۱</sup> - شیروان قسمتی از جمهوری آذربایجان کنونی می‌باشد. (المنجد فی الاعلام ص ۳۸۹)  
«آن طرف رود کر در ساحل دریای خزر جایی که سلسله جبال قفقازین در دریا فرو می‌رود، ایالت شروان واقع است. کرسی این ایالت شماخیه بوده که اکنون شماخی یا شماخا خوانده می‌شود.»

<sup>۲</sup> - ماهیار، عباس، انتخاب و شرح گزیده اشعار خاقانی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۳، ص ۵.

<sup>۳</sup> - صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، جلد اول، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۶۸، ص ۳۰۰ به بعد.

غزنوی ، عارف بزرگ، اندیشه های صوفیانه و عارفانه را با دامنه و گستردگی بیشتری ، در شعر فارسی داخل کرده است .

نزدیک به سال مرگ سنایی ۵۴۵ ه.ق شیخ فریدالدین عطار به جهان آمده و در سراسر قرن ششم زیسته و در حمله مغولها سال ۶۱۸ ه.ق کشته شد . انوری بزرگترین قصیده سرا در این عصر می زیسته و علاوه بر قصاید رسا و زیبا و بلند که باقی گذاشته ، بابتی درغزل سرایی باز کرده است . در این قرن سبک معروف به سبک عراقی در شعر فارسی پرورش یافته و به وسیله شاعران اصفهان مانند جمال الدین عبد الرزاق و دیگران رونق گرفته و راه و روش و ویژگی هایش مشخص شده است.

« نظامی گنجوی ، مثنوی سرای بزمی ، عالی ترین شاهکارهای مثنوی را در این قرن سروده و خسرو و شیرین و دیگر مثنوی ها را به جای گذاشته است »<sup>۱</sup>.

« از نیمه قرن پنجم به بعد ، شعر فارسی افزون بر حوزه خراسان و مشرق که مرکز سیادت سبک خراسانی بود ، در حوزه شمال غربی و آذربایجان ، گسترش یافت . شاعران این خطه هر چند که در کل پیرو سبک خراسانی بودند اما از آنجا که محیط و حال و هوای ذهن و زبان آنان با خراسانیان متفاوت بود ، بی تردید شیوه ای دیگر گونه در شعر فارسی به وجود آوردند»<sup>۲</sup>.

---

<sup>۱</sup> - همان ، صص ، ۳۲۴ - ۳۲۵

<sup>۲</sup> - احمد سلطانی، منیره، خاقانی شروانی ( نقد و پژوهش با نمونه اشعار ) ، چاپ اول ، زمستان ۱۳۷۶ ، ص ۲۶ .